

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جودوی کلامی

هنر متقاعد کردن دیگران

انتشارات دیموند بلورین

نویسنده : جورج تامپسون، جری جنکینز
ترجمه : محمدهادی آقاجانی، علی آقاجانی
ویراستار : فاطمه آقاجانی



جودوی کلامی

هنر متقاعد کردن دیگران

نویسنده : جورج تامپسون، جری جنکینز
ترجمه : محمدهادی آقاجانی، علی آقاجانی
ویراستار : فاطمه آقاجانی

طراح و صفحه آرا : حامد حبیبی کسبی
مشخصات نشر : تهران، انتشارات دیموند بلورین، ۱۳۹۷
مشخصات ظاهری : ۲۶۶ صفحه

نوبت چاپ : اول
شمارگان : ۱۰۰۰ نسخه

چاپ : نوتاش
شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۹۹۱۴-۵۶-۲
ISBN : 978-600-9914-56-2

نشانی ناشر : تهران، ابتدای خیابان شهید مطهری، خیابان لارستان، کوچه جلالیان، پلاک ۴۱
تلفن و دورنگار : ۸۸۹۲۸۶۶۰-۵

www.DIMORIN.ir

سرشناسه :	تامپسون، جورج ج.
Thompson, George J.	
عنوان و نام پندآور :	جودو کلامی : هنر متقاعد کردن دیگران/نویسنده جورج تامپسون، جری جنکینز ؛ ترجمه محمدهادی آقاجانی، علی آقاجانی ؛ ویراستار فاطمه آقاجانی.
مشخصات نشر :	تهران : انتشارات دیموند بلورین، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری :	۲۶۶ص. : مصور(بخشی رنگی)، جدول(بخشی رنگی)، نمودار(بخشی رنگی).
شابک :	۹۷۸-۶۰۰-۹۹۱۴-۵۶-۲
وضعیت فهرست نویسی :	فیبیا
یادداشت :	عنوان اصلی: Verbal judo : the gentle art of persuasion, c2004.
یادداشت :	کتاب حاضر در سال ۱۳۹۶ با عنوان « قهرمان گفتگو : هنر ظریف تغییر مسیر دادن افکار و اعمال » و ترجمه سعید مینویی توسط پندار تابان فیبا دریافت نموده است.
عنوان دیگر :	قهرمان گفتگو : هنر ظریف تغییر مسیر دادن افکار و اعمال.
موضوع :	ارتباط بین اشخاص
موضوع :	Interpersonal communication
موضوع :	اقناع (معانی و بیان)
موضوع :	(Persuasion) (Rhetoric)
موضوع :	اقناع (روانشناسی)
موضوع :	(Persuasion) (Psychology)
موضوع :	تأثیر (روانشناسی)
موضوع :	(Influence) (Psychology)
موضوع :	مناقشات اجتماعی
موضوع :	Social conflict
شناسه افزوده :	جنکینز، جری بی، ۱۹۴۹ - م.
شناسه افزوده :	Jenkins, Jerry B.
شناسه افزوده :	آقاجانی، محمدهادی، ۱۳۶۴ -، مترجم
شناسه افزوده :	آقاجانی، علی، ۱۳۶۸ -، مترجم
شناسه افزوده :	آقاجانی، فاطمه، ۱۳۶۰ -، ویراستار
رده بندی کنگره :	۱۳۹۷ ق۹/ت۷۸۱۴۲ HV
رده بندی دیویی :	۲۵/۳۶۳
شماره کتابشناسی ملی :	۵۱۴۲۷۴۰



تقدیم به

بزرگمردی که با میاتش، مقاوم زیستن در ناملایمات زندگی را به
ما آموخت و با عاشقانه پیوستنش به یزدان پاک، معنای عشق
و مردانگی را جاودانه کرد.

همیشه در قلبمان خواهی ماند، مرموم استاد علی ممدت



فهرست مطالب

۹	پیشگفتار
۱۵	یک دهه بعد
۱۹	مقدمه
۲۵	۱. متول شدن ارتباط سامورایی
۳۱	۲. توافق بر سر امری غیر قابل توافق
۳۵	۳. آتش تند
۴۳	۴. برخورد خوب با بدی‌ها
۵۳	۵. خوب ، سخت و ترسو
۶۳	۶. یازده نکته که نباید به کسی بگویید
۷۳	۷. آزمون سخت
۸۵	۸. قدرتمندترین کلمه در زبان انگلیسی
۹۵	۹. بزرگترین سخنی که همیشه به خاطر آن شرمنده خواهید شد
۱۰۵	۱۰. تنها راه برای ایجاد مزاحمت برای افراد و داشتن آن‌ها
۱۱۳	۱۱. جودوی کلامی در برابر کاراته کلامی
۱۲۳	۱۲. پنج گام سخت
۱۳۱	۱۳. اولین هنر بزرگ برقراری ارتباط: معرفی کردن
۱۳۹	۱۴. دومین هنر بزرگ برقراری ارتباط: فهمیدن



- ۱۴۹ ۱۵. میانجیگری یا پا در میانی.....
- ۱۵۷ ۱۶. آنچه تمام این کارها را سخت می کند، چیست؟.....
- ۱۶۹ ۱۷. خواندن و نوشتن.....
- ۱۷۹ ۱۸. چگونه یک مشکل کلامی را تشخیص دهیم.....
- ۱۸۵ ۱۹. زبانی برای حصول اطمینان.....
- ۱۹۳ ۲۰. چگونه جوانمردانه بجنگیم.....
- ۱۹۹ ۲۱. لپس را جدی بگیرید.....
- ۲۰۹ ۲۲. به کار گیری راه حل ها در زندگی.....
- ۲۱۵ ۲۳. قانع کردن برای سرگرمی و سود.....
- ۲۲۱ ۲۴. انگیزه بخش ناشناخته.....
- ۲۳۱ ۲۵. شما می توانید بدون خونریزی هم تنبیه کنید.....
- ۲۳۷ ۲۶. خوشحالی، به هنگام گرفتاری.....
- ۲۴۹ ۲۷. تبدیل شدن جودوی کلامی به واکنش خودکار.....
- ۲۶۱ ۲۸. فصل آخر: پنج حقیقتی که در هر موقعیتی به کار می آید.....



نوشته‌ی لیو جیلسند و پام تامسون.

به پاس قدردانی از جرج تامسون بابت تلاش سی ساله در زمینه‌ی دفاع شخصی.

آخرین فصل این کتاب به بحث از ۵ حقیقتی می‌پردازد که درباره‌ی تمام انسان‌ها در سراسر جهان صادق است.
این پنج حقیقت عبارتند از:

۱. همه‌ی انسان‌ها میلند که با احترام با آنها رفتار شود.
۲. همه‌ی انسان‌ها ترجیح می‌دهند به جای اینکه به آنها دستور داده شود، از آنها خواسته شود کار مورد نظر را انجام دهند.
۳. همه‌ی مردم میلند دلیل انجام کاری که از آنها خواسته شده را بدانند.
۴. همه‌ی افراد میلند، به جای تهدید، انتخاب‌های بیشتری مقابل آنها قرار گیرد.

۵. همه‌ی مردم وقتی اشتباه می‌کنند، مایلند شانس مجدد به آنها داده شود.

این پیام جهان شمول که بیانگر احترام و درک متقابل است، می‌تواند تمام افراد در سراسر جهان را به هم متصل کند.

اما ما به کلامی نیاز داریم تا این درک متقابل را ترویج و تقویت کند، و این هدف خود می‌تواند لحظات خوبی را ایجاد کند.

جودو، یا دفاع شخصی نمی‌تواند در هر زمینه به ما کمک کند و زندگی شخصی‌مان را هر روز بهتر کند.

جر تامسون، با این جمله‌ی یونانی موافق است که می‌گوید: هر کتابی فلسفه‌ای دارد، و آنچه ما به آن باور داریم، زندگی‌مان را می‌سازد.

او بر این عقیده است که هرچه تفاوت ما با دیگران بیشتر باشد باید برای تسلط داشتن، ایجاد همکاری و فعالیت در فضای هماهنگ تاکتیکی‌تر صحبت کنیم.

اگر ما واقعا برای دیگران احترام قائل باشیم، حتی در سخت‌ترین موقعیت‌ها هم می‌توانیم خود را حفظ کنیم و به دیگران هم اجازه دهیم در اوج عزت، عقاید خود را داشته باشند.

دفاع شخصی در هر زمینه به ما کمک می‌کند بتوانیم موقعیت‌های واکنشی را به موقعیت‌های برد تبدیل کنیم.

وقتی در کلاس‌های تاریخ شرکت می‌کنیم، در مورد جنگ‌های بسیاری که

بر سر زمین و منابع صورت گرفته، مطالبی می‌آموزیم، حال آنکه با قدری تفکر می‌توان متوجه شد بیشتر این جنگ‌ها ناشی از بی‌احترامی‌ها بوده‌اند. در زمانه‌ای که عصبانیت، به یک خطر همیشگی تبدیل شده، توانایی آرام صحبت کردن هر روز اهمیت بیشتری می‌یابد.

دنایای دیجیتال، نحوه‌ی برنامه ریزی و انجام کارهای ما را هم در زندگی شخصی و هم زندگی کاری تغییر داده است.

امروزه، هر کلام مابه سرعت در دسترس عموم قرار می‌گیرد و ما باید بابت هر اشتباهمان عذرخواهی کنیم.

دفاع شخصی می‌خواهد به ما بیاموزد که چطور از زبان، برای برقراری ارتباط و بیشتر کردن حس نوع‌دوستی استفاده کنیم.

ما بر آنیم تا پلی برای تقویت عزت و احترام بسازیم. به رسمیت شناختن عزت و حفظ احترام دیگران در هر زمینه و هر برخوردی لازم است. برخورد پلیس با قانون شکنان، معلم با دانش‌آموز، پزشک با بیمار و برعکس.

جرج تامسون از ما می‌خواهد هیچ‌وقت دلسوزی را با همدردی اشتباه نگیریم. ما می‌توانیم وقتی درد دیگران را می‌بینیم، از خود پرسیم ما تحت آن درد چه احساسی خواهیم داشت و از این طریق، به مشکلات آنها پی ببریم. این اندیشه بیان می‌کند ما باید به دیگران احترام بگذاریم، اما مجبور به احترام گذاشتن به عقاید نادرست نیستیم.

تامسون همیشه در کلاس‌های اعمال قانون این نکته را بیان می‌کرد که

تبدیل کردن شورش به نظم جز با جلوگیری از اعمال قانون‌شکنانه‌ی افراد در برابر قربانیان بی‌دفاع ممکن نیست.

اما در عین حال بیان می‌کرد که ما باید حقوق اساسی مجرم را به رسمیت بشناسیم، و برخورد با او را بر عهده‌ی دادگاه بگذاریم و نباید هیچ کاری را که اهداف حرفه‌ای ما را زیر سؤال ببرد انجام دهیم.

او خطاب به افسر پلیسی از داکوتای شمالی گفت: ما به مردم احترام می‌گذاریم، نه به دلیل اینکه آنها انسان هستند، بلکه به خاطر اینکه خود ما انسان هستیم.

یکی از تفاوت‌های عملکرد حرفه‌ای با آماتور این است که شخص حرفه‌ای، طوری صحبت و عمل نمی‌کند که مخالفانش بتوانند از آن علیه خودش استفاده کنند. او انستیتوی دفاع شخصی را در سال ۱۹۸۴ بنا نهاد و تا حدود ۳۰ سال ریاست آن را بر عهده داشت. او تمام این سال‌ها را صرف آموزش این نکته کرد که چطور با تضادها برخورد کنیم.

این انستیتو به سرعت بین ماموران پلیس، ماموران کشتیرانی، شاغلان صنعت هواپیمایی و تمام حرفه‌ها به شهرت و محبوبیت دست یافت، و ماموران دولتی در محلات شهرها، و شغل‌های فدرال در کلاس‌های آن شرکت کردند.

کلاس‌ها و برنامه‌های این موسسه در نقاطی خارج از آمریکای شمالی، مانند استرالیا و کشورهای اسکانندیناوی هم دنبال می‌شد، و با ترجمه شدن

کتاب‌هایش به زبان‌های مختلف، این موسسه جهانی شد. از آن سال تا کنون حدود ۱ میلیون نفر در این کلاس‌ها شرکت کرده‌اند و صدها هزار نفر، کتاب‌ها را خوانده و یا ویدیوها را تماشا کرده‌اند و یا به نسخه‌های صوتی تاکتیک‌های دفاع شخصی گوش فرا داده‌اند. تامسون، تمام عمر خود را صرف گسترش این موسسه کرد و تا رسیدن به اهداف تعیین شده‌ی آن کارش را ادامه می‌دهد. این موسسه به نوشتن و انتشار کتاب‌ها و ویدیوها و نسخه‌های صوتی ادامه خواهد داد تا بتواند به جهانی که به نظر می‌رسد برخی مواقع در آستانه‌ی شعله‌ور شدن است کمک کند. ما در این انستیتو از تمام مراجعین و طرفدارانی که در این سال‌ها از ما حمایت کردند، تشکر می‌کنیم. ما همواره برای انتقال پیامی که جرج می‌خواست به آینده منتقل کند، اینجا هستیم. ما هم‌اکنون به همراه مدیریت پام تامسون از شما تشکر می‌کنیم. از دست دادن دکتر جرج تامسون قلب‌های ما را شکست و جای خالی‌اش همواره در قلب‌های ما احساس خواهد شد ولی ما پیام او را منتقل خواهیم کرد. قول می‌دهیم. لیو جلستد و پام تامسون.



این کتابی که هم‌اکنون در دست دارید، وقتی در سال ۱۹۹۳ برای اولین بار وارد بازار شلوغ کتاب شد، برای بقا تلاش بسیاری کرد. اما به تدریج، خوانندگان توانستند پیام صلح‌آمیز آن را درک کنند. سمینارهای ما پر شدند از افراد بسیار مشتاقی که باور داشتند این اندیشه کار می‌کند. این را از طریق صدها نامه و ایمیلی که در ده سال گذشته دریافت کرده‌ایم، متوجه شده‌ایم.

این را از مراجعه‌ی چند باره‌ی افراد برای شرکت در سمینارها متوجه شده‌ایم.

یکی از آنها سال گذشته گفت: می‌دانید، این کتاب و این سمینارها زندگی‌ام را تغییر داده، ولی باید هر دو سال یکبار نظریات و اندیشه‌هایش را بشنوم. یکی دیگر در نامه‌ی کوتاهی نوشته بود: از اینکه رابطه‌ی من با پسر نوجوانم را حفظ کردید از شما بسیار سپاسگزارم. من وقتی به خانه رفتم، برای اولین

بار نشستم و با او صحبت کردم.

موسسه‌ی شما بود که این کار را کرد. ممنونم.

یکی از افسران پلیس، که در کلاس‌های پنج روزه‌ی من شرکت کرده بود و قرار بود همان هفته پنجشنبه طلاق بگیرد، گفت: میدانی دکتر، من همین حالا به همسرم زنگ زدم و قرار شد با هم به مشاوره برویم، چیزی که او مدت‌ها منتظرش بود.

راستش مشکل از من بود نه از همسر و بچه‌هایم، و سال بعد من از او و همسرش تبریک کریسمس گرفتم.

این پاسخ‌هاست که مرا برای به اشتراک گذاشتن این تکنیک‌ها در این کتاب مشتاق و قدرتمندتر می‌کند.

در طول چند سال گذشته، من به هزاران پلیس در تمام مناطق آمریکا آموزش دادم. از لس آنجلس گرفته تا شیکاگو و نیویورک. حالا شرکت در کلاس‌های ما در بسیاری از ایالتها اجباریست. اما موسسه‌ی ما چیزی بیشتر از یک موسسه‌ی آموزشی برای پلیس و ماموران قانون است، برای همه قابل استفاده است.

من سال‌ها پیش، این تکنیک‌ها را در مورد دنیای کار و تجارت هم بهینه سازی کردم و امروزه دوستان من در این موسسه به هزاران تاجر، افراد شاغل در دولت فدرال، خطوط هوایی و سایر مشاغل آموزش می‌دهند. معلم‌ها و دکترها هم می‌توانند از این کلاس‌ها استفاده‌ی بسیاری ببرند.

حتی بچه‌ها هم به این کلاس‌ها نیاز دارند و به همین دلیل، من به دنبال طراحی کلاسی مختص آنها هستم.

برای اینکه نیاز به این کلاس‌ها را بهتر برایتان توضیح دهم باید بگویم: من چند وقت پیش تحت عمل جراحی برای درمان سرطان قرار گرفتم. وقتی این عمل روی من انجام شد، تارهای صوتی و در کنار آن توانایی‌ام برای صحبت کردن را از دست دادم. بیش از ۲۰ پزشک و پرستار مرا ملاقات کردند ولی نتوانستند کاری برایم بکنند در آن بیمارستان، مراقبت‌های پزشکی در حد بسیار نامطلوب و ضعیف ارائه می‌شد. آنجا بود که به نیاز شدید به این کلاس‌ها و انتقال این پیام پی بردم.

به طور کلی، سیستم دفاع شخصی کلامی به این معناست که به همه خصوصاً خانواده احترام بگذاریم.

خیلی به این موضوع دقت کنید، به اینکه با آنها چگونه صحبت می‌کنید، چون کلمات اگر کسی را زخمی کنند، جای آن زخم بیشتر از زخم تیزترین تیغ‌ها در روح او باقی می‌ماند.

در حقیقت، ما انرژی کمتری را صرف مهربان بودن با نزدیکانمان می‌کنیم. آنچه در آن مدت بستری بودن در بیمارستان به آن فکر کردم این بود که مهمترین دارایی ما در زندگی ارتباطات است که با مردم داریم، و در این زمینه، جودوی کلامی می‌تواند به شما کمک کند.

جودوی کلامی شما را قادر می‌سازد، این روابط را حفظ کنید و زندگی



خود، اطرافیان‌تان و آنهایی را که برایتان ارزشمند هستند بهتر کنید.
جودوی کلامی، توانسته است، زندگی، روابط و شغل بسیاری از افراد را
حفظ کند، پس قطعاً برای شما هم کارایی خواهد داشت.



ارتباط به عنوان یک ورزش غیر فیزیکی

آخرین چیزی که دکتر تامسون می‌خواست این بود که جودوی کلامی یا غیر فیزیکی، برای همه جالب و هیجان انگیز باشد. او می‌خواست به آنهایی که مشغول جنگ و دعوا هستند، یا آنهایی که در آستانه‌ی خودکشی قرار دارند، کمک کند.

اما جودوی کلامی، چیزی بسیار بیشتر از اینهاست. تامسون، به عنوان یک استاد دانشگاه در رشته‌ی ادبیات، دارای کمر بند مشکی در هر دو رشته‌ی جودو و کاراته بود. مهارت‌هایی که او داشت، هر افسر پلیسی را به انسانی غیر عادی و بسیار قدرتمند تبدیل می‌کرد. او تمام این مهارت‌ها را تا سن ۳۵ سالگی به دست آورده بود.

اما امروزه، موسسه‌ی جهانی‌ای که او تاسیس کرده، تلاش می‌کند به افسران پلیس بیاموزد چطور به جای جودو و کاراته، از دهان و کلامشان استفاده

کنند.

شیوه‌ی آموزشی او، مورد استقبال معلم‌ها، مدیران بیمارستان‌ها، و بازرگانان قرار گرفته است.

او به بسیاری از افراد در سازمان‌های مختلف آموزش داده است، از کارکنان شرکت آی بی ام گرفته، تا افسران اف بی آی و پلیس‌های محلی. اما در نهایت، بیشترین استفاده از این آموزش‌ها را افسران پلیسی می‌برند که در خیابان‌ها هستند. چون اگر از توانایی‌های خود به درستی استفاده نکنند، زندگیشان از تعادل خارج می‌شود.

۶۵۰۰ نفر از پلیس‌های شهر لس آنجلس، تحت آموزش‌های جرج تامسون قرار گرفتند. در حقیقت، آن چهار افسر پلیسی که در حادثه‌ی مربوط به رادلی کینگ از آنها فیلم گرفته شده بود، تنها یک هفته‌ی دیگر مانده بود که در کلاس‌های جودوی کلامی شرکت کنند.

تامسون بر این باور بود که اگر این افسران پلیس حتی یک روز در کلاس‌های او شرکت کرده بودند، می‌توانستند از بروز خشونت جلوگیری کنند.

او در طول دوران آموزش دادن به بیش از دهها هزار افسر پلیس در سراسر آمریکا، توانسته بود اصولی را تبیین کند که یادگیری آنها بسیار ساده است و برای هر شخصی مفید و قابل اجرا هستند.

او بر این باور بود که جودوی کلامی می‌تواند از بروز تضادها، تنش‌ها و سو استفاده‌ها جلوگیری کند. این کتاب برای آنهایی نوشته شده که می‌خواهند



با استفاده کردن از قدرتمندترین ابزار کاهش استرس موجود، استرسشان را کاهش دهند.

تمام کسانی که می‌خواهند با کلامشان از بسیاری از حوادث از جمله تجاوزهای جنسی جلوگیری کنند.

این کتاب همچنین به خانواده‌ها کمک می‌کند به فرزندانشان در داشتن نمرات بهتر در مدرسه یا محافظت از خود در خیابان‌ها یاری رسانند.

این کتاب برای همه‌ی آنهایی نوشته شده که می‌خواهند روابط بهتری با دوستان، کارکنان، و همکاران خود داشته باشند. برای همه‌ی کسانیست که می‌خواهند روابطشان بهتر شود.

آنچه این کتاب را از سایر کتاب‌ها در زمینه‌ی ارتباطات متفاوت می‌سازد، این است که این کتاب برای زمان‌هایی که انسان‌ها تحت فشار هستند، راه حل‌های کاربردی ارائه می‌کند.

این کتاب شامل تکنیک‌هایی است که به وسیله‌ی افسران پلیس در خیابان‌ها و در موقعیت‌های مربوط به مرگ و زندگی آزمایش شده‌اند.

این کتاب شامل تکنیک‌هایی است که می‌تواند نحوه‌ی صحبت کردن و تفکر انسانها را تغییر دهد.

این کتاب حاصل مطالعات گسترده‌ی تامسون در زمینه‌ی هنرهای مارشال است.

این کتاب ترکیبی است از اندیشه‌های شرقی مانند استفاده از انرژی اتفاقات

منفی، و اندیشه‌ها و فلسفه‌های غربی مانند فلسفه‌ی طلایی. حتی از برخی اندیشه‌های ارسطو که دکتر تامسون در دانشگاه پرینستون روی آنها کار کرده در این کتاب آمده است.

جودوی کلامی به شما می‌آموزد چطور به جای واکنش نشان دادن به اتفاقات و موقعیت‌ها، به آن‌ها پاسخ دهید. این روش به شما کمک می‌کند از قدرتمندترین اسلحه که به عقیده‌ی تامسون کلام است، استفاده کنید. در این کتاب شما خواهید آموخت که چطور مانند کسانی که جودوی فیزیکی انجام می‌دهند آرام باشید. شما خواهید آموخت که چطور از انرژی‌های منفی، خروجی مثبت بگیرید. برای اینکه در این زمینه حرفه‌ای شوید، نیازی به فهم فلسفه‌های پیچیده ندارید. تامسون از طریق مثال‌های ساده که در طول زندگی‌اش برایش رخ داده، این را به شما می‌آموزد.

او برای شما توضیح می‌دهد که چطور خودش و برخی از سایر افسران، توانستند با کلام، خود را از موقعیت‌های خطرناک نجات دهند. همچنین او از داستان‌های بسیار زیبای زندگی خودش هم استفاده می‌کند.

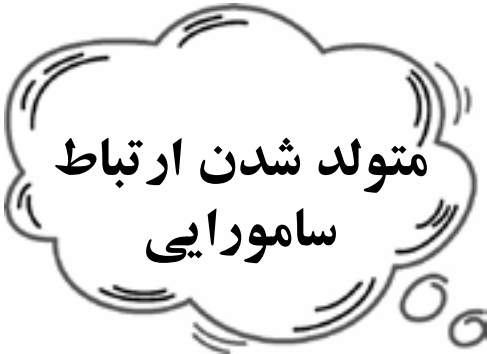
در این کتاب شما خواهید آموخت که چطور بدون به وجود آمدن تضاد با بقیه صحبت کنید.

خواهید آموخت که چگونه بتوانید انتقادهای سازنده داشته باشید، تا افراد به جای احساس سرخوردگی، احساس سربلندی کنند و خود را به عنوان یک عضو ارزشمند از گروه در نظر بگیرند.



همچنین می‌توانید راهکارهایی را برای برقراری ارتباط با افرادی بیاموزید که تحت تاثیر مواد مخدر، الکل، یا ترس از هواپیما هستند. شما با این تکنیک‌ها می‌توانید از کلمات برای ساختن دنیایی بهتر استفاده کنید. شما ذهن خود را به وضعیت بهتری عادت خواهید داد، و یاد می‌گیرید که چطور بدون ایجاد استرس، خستگی، و تضاد، موقعیت‌ها را کنترل کنید. همانطور که او در فصل ۱۷ به آن اشاره می‌کند، بیشترین کاربرد این اصول، مربوط به پلیس‌هایی است که در خیابان‌ها با مردم سر و کار دارند. او در این کتاب از مثال‌های مربوط به پلیس‌ها بیشتر استفاده کرده، چون بر این باور است که می‌توان همین اصول را به راحتی در زندگی معمولی به کار برد. من بر این باورم اگر نتوان از این اصول در خیابان‌ها استفاده کرد، پس به کارگیری آنها در خانه یا محل کار هم غیر ممکن است، ولی اگر در خیابان‌ها کارآمد باشد، خودتان می‌دانید که برای هر موقعیت دیگری هم کاربرد خواهد داشت.

فصل ۱



متولد شدن ارتباط سامورایی

خیلی سخت بود که برای اولین ماموریت می‌خواستم شدیدترین دعوایی که به عمرم دیده بودم را پایان دهم. ده روز از آغاز فعالیت آموزشی‌ام به عنوان پلیس گذشته بود که ساعت ۲ شب همکارم تماسی تلفنی دریافت کرد. ما برای پایان دادن به یک دعوای خانوادگی شدید به شرق شهر امپوریو در کانزاس اعزام شدیم، جایی که معمولاً محل جدال باندهای مواد مخدر بود. وقتی به آنجا رسیدیم، می‌توانستیم صدای مردم را بشنویم که در خیابان‌ها با هم دعوا می‌کنند. من و همکارم بروس درف، نزدیکتر شدیم و در را تا نیمه باز کردیم.

بعد بروس بدون اینکه در بزند، وارد شد و بعد باز بدون توجه به دعوا، لباس‌هایش را درآورد، روی مبل نشست و مشغول خواندن روزنامه شد. دهانم از تعجب باز مانده بود. به نظر می‌رسید بروس تمام قوانین مربوط به کار پلیس را زیر پا گذاشته است. هیچ‌وقت ندیده بودم بدون اینکه خودش